

فامیل شهید و خانواده های بی سرپرست ، توانسته اند که کشتی بار غم زندگی را تنها با بافتن قالین به ساحل مقصود بکشند و فرزندان خود را تربیه و تقدیم جامعه نمایند. (نگارنده یکی از آن هاست که در سن چهار سالگی از پدر مانده همراه چهار برادر و خواهر بر دوش مادر ۳۲ ساله ای ماند که در آسمان ستاره و در زمین متکایی نداشت. این مادر پرتوان و زحمتکش فقط با بافتن قالین ، نه تنها زندگی خود را سامان داد ، بلکه توانست فرزندان خود را نیز تقدیم جامعه نماید...)

در شرایط جنگی کنونی نیز بار سنگین جنگ بر دوش زنان ترکمن است. زنان باید زحمت بکشند ، قالین بیافند و خرج خانواده را تهیه نمایند و مردان مصروف تکالیف جنگ اند. یا در مهاجرت و بالخصوص در پاکستان ، زنان و دختران اند که از طریق بافتن قالین به اعضای خانواده

زنان ترکمن در طول تاریخ پرافتخار کشور مادوش به دوش مردان ، بار سنگین خانوادگی و اجتماعی را با شانه های لطیف ، اما پرتوان کشیده اند. زنان ترکمن همچون سایر زنان زحمتکش کشور علاوه از افتخارات مادری بودن ، تربیه اولاد و تدبیر امور منزل ، در بسی فعالیت های اجتماعی و تولیدی بالخصوص در اقتصاد خانوادگی ، صنایع دستی ، کشاورزی و دامداری که هر کدام ، به ذات خود مهم اند ، سهم شایسته داشته اند.

انگشتان نازک اما پرهیز زنان و دختران ترکمن با بافتن قالین های مرغوب و قالینچه های رنگارنگ شهرت جهانی کسب کرده بود. قالین های نفیس و قالینچه های مرغوب افغانستانی که زمانی در بازارهای

# ترانه های عامیانه زنان ترکمن افغانستان

□ عبدالمجید ایشچی

نان می دهند.  
زنان در جامعه افغانستان گذشته از قالین بافی ، در فعالیت های کشاورزی و دامداری نیز مددگار مردان هستند و در سایر بخش های اقتصادی و صنایع دستی همچون تربیه کرم ابریشم ، گلیم بافی ، خورجین بافی ، آچه بافی ، نمدمالی و گلدوزی و غیره مصروف اند.  
حتی زنان ترکمن در طول تاریخ ، در حیات اجتماعی اقوام و قبایل مختلف ترکمن نقش های خیلی بزرگ را بر عهده داشته اند ، مانند «گل جمال خان» در قرن ۱۹ که بعد از وفات «غوشوت خان» به جای او به حیث خان ایل تکه انتخاب می شود و یا «تمورد ایزه» به مثابه سرکرده قوم ، مسلحانه ایل خود را به مقابل مهاجمین بیگانه رهبری می کند. همچنین بوم نقش اجتماعی «اوغیل نیاز ارکاک» در بین ترکمنان افغانستان<sup>۱</sup>.

لندن ، نیویارک و هامبورگ جای پای شایسته پیدا کرده و افغانستان را به جهانیان شناسانده بود و قلم عمده صادرات کشور و منبع عمده درآمد ارز به حساب می آمد ، مرهون کار و تلاش زنان و دختران ترکمن بود؛ چه این همه نقش های مختلف و رنگ های مرغوب قالین بدون هیچ گونه کمک و مساعدت دولت های وقت و یا مؤسسات مشابه دیگر ، فقط با کار و تلاش خستگی ناپذیر و ذهن خیال آفرین زنان ترکمن انجام می شد. گذشته از آن ، کار در دستگاه های ابتدایی و با وسایل کار بدوی ، تهیه رنگهای طبیعی و... نیز به خود زنان و خانواده ها مربوط بود.

زنان ترکمن امروز نیز در اقتصاد خانواده هسته مرکزی را تشکیل می دهند. چه بسی خانواده های فقیر و بی بضاعت اند که یگانه منبع درآمدشان به بافت قالین استوار است. از همین سبب دختران و زنان ترکمن از اعتماد بیشتری نسبت به خود برخوردارند. صدها زن بیوه و



نقش اجتماعی و خانوادگی زنان ترکمن در دو بُعد قابل لمس و مشاهده است:

۱ - اوسط سن ازدواج دختران ترکمن به صورت کل از ۲۲ تا ۲۴ سال و حتی بالاتر است، زیرا که اکثر والدین علاقه دارند که دخترشان در خانه قالین بیافد و منبع درآمد مطمئن آن‌ها باشد.

۲ - مهر دختران ترکمن و جهیز عروسی آن‌ها، دو الی سه برابر مهر دختران سایر اقوام و ملیت‌هاست و علاوه بر جهیز، زیورآلات طلا و نقره زنان و دختران خیلی زیاد است.

اما با وجود نقش بلند خانوادگی و اقتصادی زنان ترکمن، اینان محروم‌تر از محرومان اند زیرا نظام مطلق مردسالاری در جامعه حکمفرماست، سنت‌های خشن قبیله‌ای بی‌داد می‌کند و اکثریت مطلق بی‌سوادند. در هیچ منطقه ترکمن‌زبان، برای دختران، مکتب و مدرسه تأسیس نشده است تا سطح متوسطه و لیسه داشته باشد. زنان ترکمن سراسر افغانستان به جز دو سه زن لیسانس و عده انگشت شمار

دختران ترکمن خیلی بزرگ و ارزنده است. زنان ترکمن که با بافتن قالین‌های نفیس، خود را به جهانیان شناسانده و توانسته‌اند از عهده ایجاد ترانه‌های مختلف ادبیات شفاهی و نسخه‌های پربار فولکلوریک نیز موفقانه برآیند. امروز زنان و دختران ترکمن ترانه‌های مستقل فولکلوریک خود را دارند. ایدیم‌ها (شعرها) غوشق‌ها (سرود و ترانه‌ها)، لاله‌ها، یار - یار، کوشت دپدی، آی ترک - گون ترک، های اولانگ، سویدیم‌ها، مونجیق‌اندی‌ها، هودی‌ها، آغی‌ها، طوی آیدیم‌لارس و... نسخه‌های خاص فولکلور زنان و دختران ترکمن است. زنان ترکمن در ایجاد افسانه‌ها، داستان‌ها، چیستان‌ها، امثال و حکم، معماها، باورها، حماسه‌ها و... سهمی ارزنده دارند. زیادند حالت‌هایی که بین دختران ترکمن قطعات بسیار زیبایی را پیدا می‌کنیم که خود به زبان ساده و صمیمی، آرزوها و یا حرف‌های خود را با زبان نظم به صورت دسته جمعی بیان می‌نمایند و یا در هنگام قالین بافی به همراه ریتم موزون شانه‌زدن‌ها، قطعات زیبای شعر را زمزمه می‌کنند. حتی لالایی آن‌ها

## در میراث گرانبهای ادبیات شفاهی ترکمن، سهم زنان و دختران

ترکمن خیلی بزرگ و ارزنده است. زنان ترکمن که با بافتن

قالین‌های نفیس، خود را به جهانیان شناسانده و توانسته‌اند

از عهده ایجاد ترانه‌های مختلف ادبیات شفاهی و نسخه‌های

پربار فولکلوریک نیز موفقانه برآیند.

خالی از فلسفه نیست. گاهی باتوجه به طبیعت اطراف و زیبایی محیط، شباهت‌هایی در بین آرزوها و امیدهای خود می‌یابند و آن‌ها را در قالب کلماتی منظوم و ساده بیان می‌کنند که یک عالم حکمت در آن‌ها نهفته است و هم چنین است، هنگامی که مادر بزرگی برای اطفال و کودکان قصه می‌گوید. گنجینه‌های ادبی زنان و دختران ترکمن گوناگون و خیلی قدیمی‌اند. فولکلورشناسان، نسخه‌های گرانبهایی از ادبیات شفاهی و از آن جمله نغمه‌های زنان و دختران ترکمن را در اعماق تاریخ قدیم یافته‌اند. به طور مثال نغمه دختران و نوجوانان قوم اوسون که مربوط به ترک‌های قدیم و از منابع چینی است. در این منظومه دختری از طایفه خود جدا شده و به طایفه دیگری به نام اوسون‌ها به شوهر داده می‌شود او به آرزوی وطن، ایل، یار و دوستان می‌سراید، که ترجمه یک بند آن تقدیم می‌گردد:

«مرا خویشان و نزدیکانم داده‌اند

به شاه بیگانه داده‌اند

به پادشاه اوسون‌ها داده‌اند

او در خنجین مدور زندگی می‌کند...

گوشت می‌خورد

شیر می‌نوشد

طوری که به خاطر می‌آورم وطن را

دیپلوم (آن هم به علت شهر نشین شدن بعضی از خانواده‌های ترکمن) بالعموم بی‌سوادند. از این گذشته، اکثر دختران ترکمن نمی‌توانند درباره آینده خود تصمیم بگیرند. طبق سنت جامعه تصمیم از دواج آن‌ها در اختیار والدین است و حتی بعد از نامزد شدن، سال‌ها منتظر می‌مانند تا جهیز تهیه شود و مهر تأدیه شود، آن وقت عروسی فرا می‌رسد.

مهر بلند و جهیز سنگین بلای دیگری است خود به مشکلات دختران و زنان ترکمن می‌افزاید. چه بسی خانواده‌های جوان‌اند که بعد از عروسی‌شان تا گلو به قرض فرو رفته‌اند. آنان باید سال‌ها کار کنند تا قروض عروسی خلاص شود.

در مناطق ترکمن نشین کشور، از هیچ‌گونه خدمات اجتماعی و کمک مؤسسات صحی خیری نیست و مادران ترکمن از مؤسسات کمک به مادران و اطفال کاملاً بی‌خبرند. بالخصوص کار سنگین قالین، اکثریت زنان قالین‌باف را به امراض مختلف، از جمله توبرکلوز مبتلا می‌سازد. با این مقدمه کوتاه می‌خواهم به ادبیات شفاهی زنان ترکمن و بالخصوص درباره نغمه‌های زنان و دختران ترکمن نظر مختصری انداخته شود.

ادبیات شفاهی ترکمن معرف هویت قومی و ملی ترکمن، تاریخ نانوشته و یگانه وسیله تعلیم و تربیه غیررسمی مردم ترکمن در طول تاریخ بوده است. در میراث گرانبهای ادبیات شفاهی ترکمن، سهم زنان و



دل به آن جامی رود  
می خواستم بار دیگر باشم  
به وطن برگردم»<sup>۳</sup>

طوری که گفته شد، ادبیات شفاهی زنان ترکمن بسیار کهنسال و غنی است. در این جاتنها سرودها و ترانه های زنان و دختران ترکمن تا آن جایی که امکان دارد، مختصراً نگاشته می شود:

### ۱- شعر «آیدیم» و «غوشق»

طی این عنوان سروده های زنان شاعر که در قید کتابت نیامده و در طول تاریخ سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته و به شکل نغمه های دلکش و گوناگون از طرف زنان و دختران خوانده می شود، شامل است. در تاریخ ادبیات ترکمن زنان شاعر زیادی داریم همچون آرایش ترکمن (دختر اسکندر بیگ ترکمن) خان ترکمن دختر محمدبیگ ترکمن، پری ترکمن، سوسن ترکمن و صاحب جمال ترکمن و... «اسپنسکی» طی مطالعات ادبیات شفاهی ترکمن، آیدیم ها را به شش نوع تقسیم کرده است. اشعار دینی، هجران و شکوه، ترانه های شکار و شکارگری، عشق و محبت، تربیتی، اخلاق و شعرهای تاریخی. در هر بخش اشعار و سروده های زنان ترکمن خیلی ها زیاد است. متأسفانه تا به حال فولکلور ترکمن های افغانستان و بالخصوص ادبیات شفاهی زنان و دختران ترکمن ثبت و جمع آوری نشده است. مگر در ترکمنستان طوری که به نگارنده معلوم است، جلدهای متعددی از هر بخش ترانه های عامیانه را جمع آوری و ثبت و چاپ کرده اند.

### ۲- لاله ها

به ترانه هایی گفته می شود که دختران و نوجوانان ترکمن در شب های مهتابی گردهم می آیند و می خوانند. مضامین لاله همچنان آیدیم ها (اشعار) گسترده است، از جمله لاله اخلاقی، تربیتی، شرح هجران و فراق، تاریخی و حماسی و... معمولاً هفت و یا هشت هجا می باشد. «لاله» نام دختری بوده که به خاطر تعصبات قبیله ای به آرزویش نرسیده و او را به جایی دور از ایلش به شوهر می دهند و او هم در فراق یاران و دوستان و با یادآوری ایل خود می نالد و شعرهایی می سرآید. بعدها این ناله ها در بین دختران ترکمن عمومیت پیدا کرده به نام «لاله ها» به حیث یک قالب ادبی ترکمن مشهور می شوند. اکنون در هر قبیله و در هر منطقه، دختران ترکمن لاله های خاص خود را دارند. در ذیل نمونه های آن ها با ترجمه شان تقدیم می گردد:

آق غوش بولپ اوچسامدیم  
اوز ایلیمه بارسامدیم  
اوز ایلیمینگ سووین دان  
غانپ، غاتیپ ایچسام دیم.  
ترجمه:

کاش پرندۀ سفیدی بودم و  
به سمت ایل خود پرواز می کردم  
کاش از جوی آب ایلمان  
مشاقانه می خوردم و سیراب می شدم.

□  
آغاج باشی بور ولار  
دوبین ده سوو دورولار  
کیم ایلیندان آبریلسه  
شونینگ بونی بور ولار  
ترجمه:

شاخه درخت در پیچ و تاب است  
در زیر آن آب زلال جمع شده  
آن کس که از ایلش جدا بماند  
ذلیل و خوار خواهد شد

□  
آغاج باشی ساز ادار  
شاخاسی آواز ادار  
ایلیندان آیره دوشن  
ایندی کیمه ناز ادار؟  
ترجمه:

نوک درخت ساز می کند  
شاخه ها نیز با آن همنا هستند  
آن کس که از ایلش جدا افتاد  
اکنون به چه چیز می نازد؟

### ۳- هودی ها (لالایی ها)

تغییر لالایی مادران فارسی زبان است که مادر و یا دخترخانه برای خواباندن و آرام کردن کودک می خوانند. هودی نیز مثل لاله در بین مناطق مختلف و طوایف گوناگون ترکمن عمومیت داشته و هر منطقه و هر قوم، هودی های خاص خود را دارند. چند نمونه از هودی ها را با ترجمه آن تقدیم می نمایم:

آکلای باللیم یاشیندا  
یاشیل بوروک یاشیندا  
اوز اویلر نینگ دوشیندا  
آق اوی سالیگ باللیمه.  
ترجمه:

آسوده بخواب نازنینم  
که عرفچین سبز بر سر داری  
در جوار خانواده اش  
آلاچیق (خرگاه) زیبایی برپا کنی

□  
آکلای، آکلای، آکلای  
دده نگی مکه بوللایین  
دده نگ مکه دن گلسه  
کعبه یوزوک پایلایین  
ترجمه:  
آسوده بخواب فرزندانم  
که پلدرت را به مکه روانه خواهم کرد  
و آنگاه گه بر می گردد



می آورند در راه رفت و آمد با کجا با ۴، شب نکاح و هنگام نکاح از طرف دختران و نوجوانان خوانده می شوند و اکثر آداب همراهی می گردند. در هر بیت «های اولانگ» تکرار می شود. یک نوع سرودهای عروسی نیز هست که از طرف دختر که به شوهر می رود خوانده می شود به خاطر تهیه جهیز و لباس و غیره، در بین ترکمنهای ارساری افغانستان خیلی قدیمی و مشهور است. چند بند به طور نمونه آورده می شود که از هنگام طفلی به یادم مانده است:

تاقلانگ تاما، تاقلانگ طام  
تاینپ دوشدم لالاجان  
اون بار ماغیم غیشار دیپ  
بخمل بچدیم لالاجان  
مشینگ بیچن بخمل مینگ



آدی بشقه لالاجان  
بخار گیلان آغامینگ  
یولی باشقه لالاجان  
ترجمه به مضمون:

وہ چه دیوار صاف و همواری است  
که از نشیب آن پایین شدم  
با همین انگشتان هنرمندم  
بخمل ها برش کردم، ای لالاجان!  
بخمل هایی که من برش کردم  
می دانی، به خاطر چیست؟ ای لالاجان!  
به مراسم خاص است  
برادرم که به بخارا رفته است  
زیاد دوست دارم، و او (برادرم)  
جهیزم را آماده می کند.

سوغات مکه را پخش خواهم کرد

□

بالام سی سویه بین  
قرمیزی گله بویابین  
قرمیزی گولونگ ایسین دان  
ایسغاب، ایسغاب دو یابین  
ترجمه:  
فرزندم تو را دوست دارم  
می خواهم میان گل های قرمز بزرگت کنم  
گل های قرمز را مشتاقانه خواهم بوید  
و از بویشان سیراب خواهم شد.

#### ۴- آغی ها (مرثیه ها)

منظومه هایی است که زن ها در ایام سوگواری و عزاداری و بالخصوص هنگام وفات نزدیکان به صورت انفرادی و دسته جمعی با ناله و شیون می خوانند. این مرثیه ها اقسام مختلف دارد، مرثیه هایی برای همسر، پدر، برادر و فرزندان و... و همچنان انواع آغی ها (مرثیه ها) در نزد اقوام گوناگون، مختلف است. حتی در یک ده، طوایف مختلف آغی های مختلف را می خوانند. این نوع مرثیه بسیار پرسوز است و درونمایه بسیار قوی دارد. شجاعت و فداکاری و امید و آرزوهای عمل نشده، بستر این آغی ها (مرثیه ها) است. در ذیل یکی از قدیمی ترین آغی ها که در نزد اکثر طوایف مشترک است به شکل نمونه آن نقل می گردد:

اناله یانر آغلار، گون لری سانر آغلار  
دونرکی دونرکیمه، هریانا باقار آغلار  
عزیزی باقان آغلار، اودیانار قالان آغلار  
کیمی جوان اولسه، قابرنی غازان آغلار  
عزیزی دوشدان آغلار، کبریگی قاشدان آغلار  
قرداشی اولن غیزلار، دورب اول باشدان آغلار  
ترجمه:

مادران می سوزند و می گریند  
در حالی که روزها را می شمارند  
او که دیروز رفت، چه خواهد شد؟  
خیره به هر سو می گریند  
و کسی که عزیزی پرورده  
مثل آتشی گریسته و خاکستر خواهد شد  
اگر جوان بمیرد، قبر کن بر او می گرید  
عزیزش از جدایی می گرید و باران  
اشک از مژه ها ریزان است  
و دخترانی که برادرشان مرده  
از ته دل می گریند

#### ۵- ترانه های عروسی

این ها سروده هایی منظوم است. آن ها را «های اولانگ» (زود شوید، عجله کنید) نیز می گویند. شب عروسی، هنگامی که عروس را





□ دوغزل از محمد کاظم کاظمی

### پیوند

آیا شود بهار که لبخندمان زند؟  
 از ما گذشت، جانب فرزندان زند  
 آیا شود که برش زن پیر دوره گرد  
 مانند کاسه‌های کهن بندمان زند؟  
 ما شاخه‌های سرکش سیبیم، عین هم  
 یک باغبان بیاید و پیوندمان زند  
 مشت جهان و اهل جهان باز باز شد  
 دیگر کسی نمانده که ترفندمان زند  
 نانی به آشکار به انبان ما نهد  
 زهری نهان به کاسه گل‌قندمان زند  
 ما نشکنیم اگر چه دگر باره گردباد  
 بردارد و به کوه دماوندمان زند  
 روئین تیم، اگر چه تهمتن به مکر زال  
 تیر دوسر به ساحل هلمندمان زند  
 سر می دهیم زمزمه‌های یگانه را  
 حتی اگر زمانه دهان بندمان زند

مشهد - ۲۹ اسفند ۱۳۸۰

### صلح کل

موسمی به دین خویش، عیسی به دین خویش  
 ماییم و صلح کل در سرزمین خویش  
 همسایگان خوب! قربان دست‌تان  
 ما را رها کنید با مهر و کین خویش  
 ما با همین خوشیم، گیرم که جملگی  
 داریم دست کج در آستین خویش  
 ای دوست! عیب من چندان بزرگ نیست  
 آن قدرها مبین در ذره بین خویش  
 دیگر چه لازم است با خنجرش زنی  
 هر کس که ترش کرد سویت جبین خویش؟  
 خواهی علف بکار، خواهی طلا بیاب  
 وقتی نشسته‌ای روی زمین خویش

مشهد - ۱ فروردین ۱۳۸۱

## ۶- آی ترک - گون ترک

نوعی بازی دختران است و معنی آن «ماه و خورشید را می‌خواهم» و احتمالاً گویای زمانی است که ترکمن‌ها برای مظاهر طبیعت همچون ماه و خورشید احترام خاصی قایل بودند و یا به عبارت دیگر از بقایای دوره «شامانسیم» (آیین قدیمی و بدوی ترک‌ها) باقی مانده است. حتی بسیاری از نام‌های پسران و دختران ترکمن، از مشتقات ماه، خورشید، ستارگان، آسمان و... است.

در این نوع بازی، دختران و پسران به دو دسته تقسیم می‌شوند و به مقابل هم می‌ایستند و به شکل مناظره ایبائی را می‌خوانند. هر دسته یک نفر وکیل و یا سردسته دارد. سردسته‌های اول و دوم در مقابل هم ایستاد شده جملاتی را رد و بدل می‌کنند:

سردسته اول: ای ترک، گون ترک (پاره ماه، پاره خورشید می‌خواهم)  
 سردسته دوم: بیزدان سیزه کیم گرهک (از میان ما چه کسی را می‌خواهید؟)  
 سردسته اول: سایراب دوران دیل گرک (یکی خوش سخن می‌خواهم)  
 سردسته دوم: هرکیمه گیله جک گرک (هرکس خواهان خود را می‌برد)  
 سردسته اول: اوئی ینگه لی گرک (به همراه دوستان دختر می‌خواهم)  
 سردسته دوم: آردی تنگه لی گرک (و سکه‌های طلا آویخته از زلف‌ها)  
 سردسته اول: سایراب دوران غیز گرک (دختری شیرین زبان می‌خواهم)  
 سردسته دوم: غیزلارینگ هایسی گرک (کدام دختر را می‌خواهید؟)  
 سردسته اول: غیزلارینگ... اول غیز گرک (دختری بلبل زبان به نام...)

سردسته دوم: اور - را، بیق - دا، آلاغای... (بزن و بگیر و ببر)  
 سپس فردی از گروه اول به طرف گروه دوم هجوم می‌برد و سعی می‌کند از بین دستان گره خورده قطار دسته دوم، آن دختر را باز کند. اگر باز کرده توانست، دختر را با خود می‌برد و اگر نتوانست، در همان گروه اسیر می‌شود و در جمع آن دسته می‌ماند. بازی تا هنگامی ادامه می‌یابد که یک دسته، دسته دیگر را به کلی خلاص کند و به دسته خود جذب نماید.

نغمه‌های زنان و دختران ترکمن خیلی زیاد است، مانند سولیدیمن، مونجیق آندی، یار، یار، کشت دپمه و... در فرصت مساعد معرفی می‌گردد.

۱ - ترکان خاتون‌ها در اداره امور سلجوقیان، خوارزمشاهیان، اتابکان و... نقش بسزایی داشته‌اند.

۲ - مجموعه ادبیات ترکمن صحرا - پاپراق ص ۶۶

۳ - و.ای. میچورین منتخبات سال ۱۹۵۰ جلد ۲، ص ۱۹۲

۴ - چارچوب یا تخت که به دو طرف شتر بسته می‌کنند تا عروس و ینگه را در عروسی‌ها از خانه پدر دختر به خانه داماد ببرند.

